

روایت‌های خاندان رستم و تاریخ‌نگاری ایرانی

ساقی نازدانی
ترجمه‌ی سید سلطان‌ی



The Sistani Cycle of Epics and Iran's National History
On the Margins of Historiography
Saghi Gazerani

روایت‌های خاندان رستم و تاریخ تاریخی ایرانی

دکتر ساقی گازرانی

ترجمه‌ی سیما سلطانی

ویرایش: تحریریه‌ی نشر مرکز

حروفچینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: بخش تولید نشر مرکز

طرح جلد: فریبا معزی

چاپ اول ۱۳۹۷، شماره‌ی نشر ۱۳۰۷، ۱۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۴۲-۵

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، خیابان باباطاهر، شماره ۱۱

تلفن: ۳-۸۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

E-mail: info@nashr-e-markaz.com

 [nashremarkaz](https://www.instagram.com/nashremarkaz)

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر مرکز محفوظ است.
تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

● سرشناسه گازرانی، ساقی، ۱۳۵۱-: Gazerani, Saghi ● عنوان و نام پدیدآور روایت‌های خاندان رستم و تاریخ‌نگاری ایرانی / ساقی گازرانی، ترجمه‌ی سیما سلطانی، ● مشخصات ظاهری هشت: ۲۸۸ ص.، مصور، ● یادداشت The Sistani Cycle of Epics and Iran's National History, On the Margins of Historiography, Saghi Gazerani ● موضوع رستم (شخصیت افسانه‌ای)-ایران -- تاریخ -- از آغاز تا ۴۰۰ ق.م. -- تاریخ‌نویسی، ● شناسه‌ی افزوده سلطانی، سیما، ۱۳۳۹-، مترجم، ● رده‌بندی کنگره ۱۳۹۷ ۱۷۸/۵ DSR ● رده‌بندی دیویی

۹۵۵/۰۱ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی ۵۵۲۲۵۸۶

فهرست

یادداشت نویسنده برای ترجمه‌ی فارسی

دوباره‌ی نویسنده ۱

مقدمه‌ی مترجم ۳

مقدمه ۵

فصل اول: زمینه‌ی تاریخی ۲۱

۱.۱ پادشاهی سکایی - پارتی سیستان ۲۲

۲. خاندان حاکم در سیستان در روزگار باستان ۴۴

۳.۱ خانانهای سرزمین خانوادگی رستم ۵۰

۴.۱ خانانهای بای دیگر ۵۶

۵.۱ بازتاب‌های تاریخ پاران در مجموعه حماسه‌های سیستان ۶۱

فصل دوم: مصادره، فرمان‌آرستان و پیدایش خاندان رستم ۶۵

۱.۲ تبارشناسی گرشاسپ ۶۹

۲.۲ گرشاسپ و بنا نهادن سیستان ۷۱

۳.۲ مجموعه‌ی بن‌مایه‌های پهلوانی ۷۷

۴.۲ روایت دیگری از داستان/تاریخ ۸۶

۵.۲ جای پای یک منازعه‌ی دینی ۹۲

فصل سوم: اوج قدرت سورن ۹۷

۱.۳ آغاز دوره‌ی پهلوانی رستم ۹۹

۱.۱.۳ پیر بیان ۹۹

۲.۱.۳ کُک کهزاد ۱۰۶

۳.۱.۳ هفت خان ۱۱۰

۲.۳ بازتاب‌های تاریخی ۱۱۳

۱.۲.۳ زمانی برای اتحاد ۱۱۳

۲.۲.۳ موقعیت خاص خاندان رستم ۱۱۹

۳.۲.۳ آغاز پایان: ظهور لهراسپ ۱۳۱

فصل چهارم: پهلوانان سیستانی مظلوم ۱۴۷

۱.۴ برزو ۱۵۱

۲.۴ جهانگیر ۱۶۴

۳.۴ شهریار ۱۶۷

شش روایت‌های خاندان رستم و تاریخ‌نگاری ایرانی

فصل پنجم: مجادله بر سر ساخت قهرمانان و ضدقهرمانان

۱۷۹	۱.۵ فرامرز در قنوج
۱۸۰	۲.۵ تحول در تصویر پهلوانی
۱۸۶	۳.۵ فرامرز و بهمن: نبرد نهایی
۲۰۰	۴.۵ بهمن، الگوی ضدقهرمان
۲۲۱	سخن آخر
۲۳۱	پیوست یک

جمعه‌ی حماسه‌های سیستانی: داستان‌ها و دستنویس‌های آن‌ها

۲۳۵	داستان‌هایی از رستم که در شاهنامه نیامده‌اند
۲۳۶	گرشاسپ
۲۳۷	بهمن‌نامه
۲۳۹	فرامرز
۲۴۰	باتوگشپ
۲۴۴	برزونامه
۲۴۶	شهریارنامه
۲۴۸	جهانگیرنامه
۲۵۰	پیوست دو

روایت‌های سلطنت بهمن

۲۵۳	۱. حمزه‌ی اصفهانی
۲۵۳	۲. ثعالبی
۲۵۵	۳. طبری
۲۵۵	۴. دینوری
۲۵۵	۵. گردیزی
۲۵۵	۶. بلعمی
۲۵۶	۷. ابن بلخی
۲۵۶	۸. مسعودی
۲۵۶	۹. مجمل‌التواریخ و القصص

نمودارها

کتاب‌شناسی

نمایه

فهرست نمودارها

۲۵۹	نمودار یک: اشکانیان
۲۶۱	نمودار دو: تبارنامه‌ی گرشاسپ
۲۶۲	نمودار سه: تبارنامه‌ی پهلوانان سیستانی
۲۶۳	نمودار چهار: تبارنامه‌ی گودرزیان
۲۶۴	نمودار پنج: تبارنامه‌ی خاندان لهراسپ
۲۶۵	نمودار شش: نقشه‌ی ایالات باستانی

طرح سکه‌ی روی جلد:

گندُفر (Gondophares) پادشاه مقتدر دولت هندوپارتی بود که در نیمه‌ی اول قرن اول میلادی جانشین سلسله‌ی سکاها‌ی سکستان (سیستان) شد. او در حدود سی سال بیستم میلادی به سلطنت رسید و بر زرنگ و رُخج و پنجاب فرمان راند و سکه‌هایی به نام خود در سیستان و هرات و قندهار و پنجاب ضرب کرد.

مقدمه‌ی مترجم

کتاب حاضر با نگرانی نه به حماسه‌های ایرانی می‌نگرد، حماسه‌هایی که در اثر پرتو نور جاودانهٔ ساسانه کمتر به چشم آمده‌اند و اگر نیز دیده شده‌اند نه چنین یکدست و در مجموعه‌ای مرتبط، بلکه با هدف انکار ارزش وجودی آنها یا صرفاً وظیفه‌شناسی ادبی و معرسته‌ی نظم آنها با شاهنامه، شاهکار زبان فارسی، بوده است. این کتاب گذشته را کشف، این حماسه‌ها به شکل مجموعه‌ای به هم پیوسته به کارکرد تاریخ‌نگاری و مشروعیت‌بخشی آنان توجهی عالمانه و همه‌جانبه مبذول داشته است که بدون شک دست کم به کار تاریخ‌اشکانیان خواهد آمد، بماند که چنین رویکردی در کل تاریخ ایران نیز راهگشا خواهد بود. کتاب اگرچه با اشعار حماسی سروکار دارد، عمدتاً متد تاریخی نگاشته شده و یکی از اهداف آن مسأله‌ی تاریخ‌نگاری ایرانیان، حافظه‌ی تاریخی آنان است، امری که تصور غالب امروزی به ویژه در پژوهش‌های غربی وجهه‌ی آن را به دیده‌ی انکار می‌نگرد.

باعث مباهات است که استاد دکترا ژاله آموزگار مرا برای ترجمه‌ی این اثر به نویسنده توصیه کردند و موجب افتخار است که دکتر گزاردانی کتاب ارزشمند خود را به من سپردند. امیدوارم ترجمه‌ی کتاب از حظی که من از خواندن آن و مواجهه با دیدگاه‌های نو و اثرگذار آن برده‌ام نکاهد.

در اینجا لازم می‌دانم به سهم خود، از مدیریت نشر مرکز برای علاقه، توجه و دقتی که صرف چاپ این کتاب شده است قدردانی کنم.